

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE

CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطاري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتھاي بدون

تر قبول نخواهد شد

(قيمت آبنونه ساليانه)

اسكندرية و قطر مصر

سه ريال

ممالك دولت عاليه ايران

سه تومان

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجيدي

انگند هند وستان

دو روپيه

قفقازيه تركستان

هشت منات

اروپاچين بيست

فرنگ ۲۰

# چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصورة

۱۵ شعبان المعظم ۱۳۲۲ هجري مطابق ۲۳ اکتوبر ۱۹۰۴ ميلادي

وجه پست داخله و خارجه بعهده اداره است

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتا ما هي دو بار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

## فهرست مندرجات

اقتراح وقتنا - سياسي - کشيش روسي و ميدان  
جنک - تشکر و امتنان - مکتوب حيرت انگيز -  
مقاله تجارت - عربستان - چهره نما - شيوعی اصل  
يا حقيقت صرف قابل توجه وزارت جايه کمرک -  
انزلي - چهره نما - بادکوبه - چهره نما - اصفهان -  
اعلان - اعلان مخصوص - تلکرافات

اقتراح وقتنا

پر واضح است احداث و انتشار جريده

با احساس مخاطرات شديد . و خسارتهای عديده .  
و عمر گرنگايه تباه کردن . و طومار زنده گاني سياه نمودن  
و تمتع از حاصل حيات بنردن . و ثمری از نخل زنده گي  
نچیدن . و بري از نهال بشریت نخوردن . و علاقه  
از آشنا و بيگانه بریدن . فقط صادقانه خدمت بدولت  
کردن و آزادانه سخن از هيئت جامعه ملت نمودن .  
و بدون تملق و چاپلوسي امتياز زشت از زيبا و خشن  
از ديبا دادنست

عجبا پس از اين بيانات کافيه ميتوان باب تملق  
و حوائج نفسيه و مقاصد شخصيه کشود . و خواهشهاي  
خود پسندانه بعضي ارباب رسل و رسايل را شنود .

## سیاسی

افق آسمان سرخ فام سفك شرارت پیشه فتنه  
اندیشه سیاسی و بدرغضب آورد سپهر عداوت  
مهری باک تابش غمزای اساسی چنان از غبارظلمت  
و وحشت و تیره گی تاریک و از کدردهشت و چیره  
گی باریکست که رصد بندان انجم شناس فلک  
جنگجویی و صلخواهی استقبال پولتیک و ژبیج نشینان  
اختر شمار آسمان سعد و نحس اوروپ (باتلسکوپ)  
دور بین (هرشل) حکیم معروف هرچه بدقت نبرند  
یکرا دودی محیط و قمر را روشنی غیر بسیط تصور کنند  
آنست که در این چند روزه که صحرائی بی انتهای  
ظلم و اعتساف خون ریزی و دریای بی کران تطاول  
واجحاف شرارت انگیزی شرق اقصا و دویمین جنک  
بزرگ دنیا یعنی میدان (مقدن) که از گذشته های  
بچون آغشته نوع انسانی و از پشته های از جان  
گذشته جنس بشر بهر طرف خرمن خرمن انباشته  
هرچه بذریعه تلکرافات پیاپی رئیس جمهوری اتازونی  
(یا ایالات متحده دولت آمریکا) موسیوروزفیلت  
از دول معظم خواهش کرد که باید فیما بین دولتین  
متحاربتین متقاتلتین ژاپون و روس قدم گذاشت و محض  
تخفیف سفك دماء و قتل رجال و نهب اموال این  
آتش برافروخته شده که یکعالم از شراره اش سوخته  
با القوه خاموش کرد و باید همه دول فوری اعلان  
بدهند که هرگاه یکی ازین دو دولت پول بخواهند ما  
نخواهیم داد اصلاهیچ يك از دول با او موافقت نکردند  
و با اراده صلح خواهانه بی غرضانه اش متابعت نه نمودند

و هرچه بر سر اقلام برخی نفس پروران فرومایه ودنی  
طبعان سبک پایه آمد و نوشتند در روزنامه که کتابچه  
شرف و نامه وجدان يك ملت نامیده میشود درج  
نمود لا والله... زهی رسم نا جوانمردی و عدم غیرت.  
وخهی صفت بی انصافی و نبودن فتوت. که در این  
عصر تمدن حصر نوک قلم در جولا نگاه راستی کجی  
گیرد. و رخساره صفحه در روشنی و درستی  
تاریکی پذیرد.

(پای مجنون گر نبرد کوی لیلی لنک اولی)

چشم خسر و گرنه بیند روی شیرین کور بهتر  
لذا اجزاء (اداره چهره نما) در کمال عجز و انکسار  
و بمنتهای افتاده گی و افتقار عاجزانه تمنای عبیدانه از  
عمومی هموطنان کرام دارند که دام نفس پروری براه  
صید حرم وجدان نکسترانند. و طفل هوا پرستی برای  
حتک احترام مدینه عصمت نه پروراند. روا نباشد  
مکسرا سطوت هما دادن. و پشه را شوکت عنقا  
نمودن زنکیرا نسبت ماه نخشب و یا بر خلاف سلمانیرا  
بکسوت ابولهب در آوردن. که روزی خلافا اشکار  
و خلاف کویان شرمسار گردند و ما چاره نداریم  
بغیر آنکه از مادح و ممدوح یا بر عکس او چنانکه بحول  
وقوه حضرت الهی و مستظہرات فائقه حضرت ظل  
الهی آنچه خلاف نوشته اند بنکاریم و ذره کتمان  
نکرده عین مطلب را در میان گذاریم چرا که بوسایل  
مختلف راپورت و اخبار صحت اخبار را از هر جا داریم

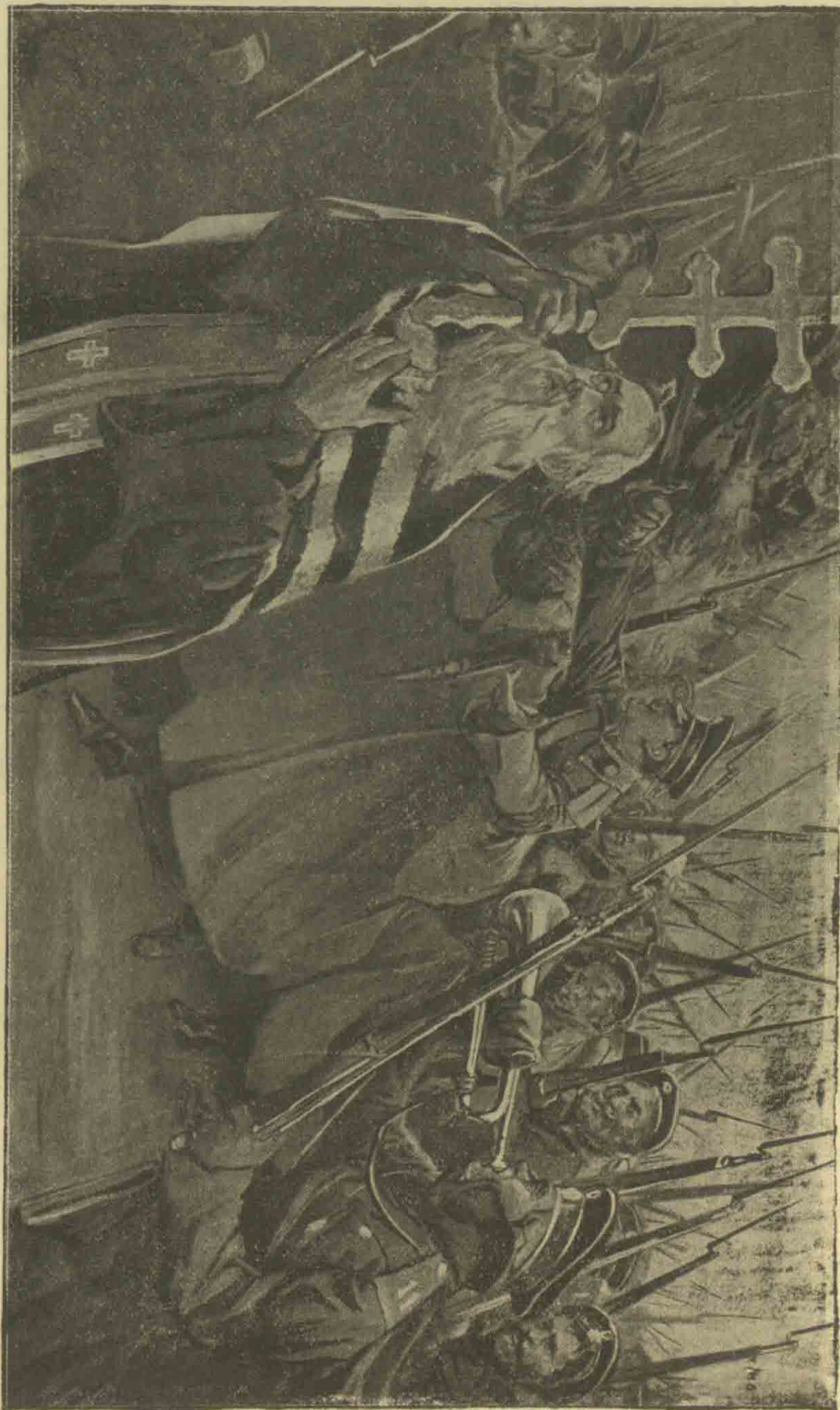


دولت انگلیس که همه فنای عالم را بجهت ابقای خود خواهانست گفت مؤمن موحد صالح خواه ماروس بود که صلاهی مجلس نزع سلاح در داد و معلوم بود این تدبیری خردانه بجهت خواب حریفان و بیدار بودن خود بود حال توهم میخواستی این لقمه بزرگ چرب شیرین را بکنفره بخوری که کلویت بدرد و شکمت بترکد بگذار بحال خودشان بمانند و مارا از قرض گرفتن بقمه نانی رسانند - و چون این خبر بهجت اثر (رئیس جمهوری آمریکا) بجهت لشکریان روس و ژاپون مفید فایده واقع نکردید اینک بالغ برداوزه روز است لیل و نهارا آتش جنگ فیما بین دو خرمین لشکر شعله و راست و نهنک مرگ از هر طرف بسوی آنها حمله ور و کثرت کشتار و شدت مردار در (شرقی مقدن) و (نهر شاهو) و (نهر هومبو) که جوانب مقدند خاک را عقیق کون و نهر هارا از خون جمعی بی کناهان جیحون نموده بقسمیکه امپراطور چین رسماً بدولت روس اعتراض کرده که جنگ را باید بطرفی بعید و زمینی دور تر از اماکن مقدسه متبر که که مدفن نیاکان چین و مقابر سلاطین آل خاقانیت قرار بدهید و بیش ازین حثک احترام و تخفیف مقام روان باشد عده مقتولین و مجروحین در این جنگ بزرگ و دوم نبرد سترک که تا حال فیصله نیافته است بیرون از تحدید حساب بوده است فقط مجروحین روس زیاده از پنجاه هزار و مقتولین او از ده هزار بوده است ترتیب تلکرافات میزان را خوب میسراند

پس از اختتام این جنگ باید منتظر جنگ سیم شد که از شراره اش چه خانه ها سوزد و چه اخگرها بر افروزد و میتوان سیم جنگ دولین متحاربین که بحکم و جوب فیصله جنگ را بدهد مراتب از این دو جنگ بزرگتر و خونریزتر دانست و چنان جنگی واقع شود که صفحه خورشید از غبار خونخواریش رده بندد و صبح آسمان تاملتی دیگر نخندد و وقوع این جنگ در دو مرکز خواهد بود یکی خشکی هاربین که مرکز مهمیست بجهت روسیان چرا که از یکطرف وصل بمقدن و از یکطرف اتصال بولاد وستک دارد و از یک طرف بسرحد سیریا و بشهر پیکال رابطه دارد و مرکز دوم در دریا و میناء ولادوستک قرار میگیرد اگر چنانکه دستی ژاپون جنگ مقدنرا ختم و بچالاکی عروس فخر را در آغوش گرفته روانه هاربین شود دیگر در جلو چندان عاقبتی و مانعی از حصون طبیعی و بروج و حصار و دره و تنگه نی نیست خود را بزودی بهاربین میسرسانند و سدی از برای جلوگیری ولادوستک خواهد شد و تا کشتیهای جنگی روس از دریای بالتیک خود را بولادوستک بعد از دوماه برسانند نکودرز مانده نکا و وسگی

متانت پیشه گان گاراگاه و فطانت اندیشه گان مصلحت خواه دولت روس بمقتضای اهمیت جنگ شرق اقصی و غلبه بر خصم قوی پنجه آهنین از او و تهیج و پیشقدمی لشکریان خویش و ثبات ورزیدن در معارک و اطاعت داشتن سران سپاه و حرمت نمودن سر بازان و هزاران خیالات دیگر چنین رای داده اند

که باید در همه جا پیشرو سپاه روس یکنفر قسیس کامل و شخص دولتخواه عاقل روان باشد و ان کشیش بریاست روحانی قایدته الجیش منتخب و حامل (صلیب) و رسم خاچی بوده باشند که عموم سپاهیان بعقیده کامل فتح و نصر ترا از او بداندند و به بزرگواری ان کشیش و احترام صلیب فخر و مباحات



که در حقیقت کوئی صرفشان رایجه غرض وهوس نیست در هیئت جامعه ملت زیاده کردد ثانیاً بواسطه آنکه عنوانات اشکر نامه و منظومه چندان راجع بجا نیست و مطالب مهمه نافع را دار است و اشکرات قلبیه از مکنونات حضرت اشرف والا صدارت عظامت باندارجش در آتیه مقتضای مبادرت خواهیم کرد تا خواص و عوام بهره برند

﴿ مکتوب حیرت انگیز ﴾

( يك از تجار غيور از كيسلا و دستكي )

مدیر روزنامه چهره نما . . چندیست که از زیارت روزنامه مبارک بواسطه فرار از ناخوشی محروم مانده ام و در این شهر که از بهترین شهرهای روسیه از آب و هوا بشمار میرود رحل اقامت افکنده ام مشاهده ام اگر قابل صفحات جریده مبارک است عرض مینمایم بجهت بهوش آمدن ابناء وطن مندرج بفرمائید روزی در میان خیابان عمومی در پاك باجمعی از دوستان مشغول گردش بودم جوانی دیدم خیلی خوش سیما بسن بیست ۲۲ سال که دودست از مرفق ندارد از همراهان سؤال کردم که این جوان باین رعنائی کیست و جهت نداشتن دودست از چیست جواب دادند مادر زاد میباشد لیکن صنعت نقاشی دارد که با پا تصاویر و پرده های خوب نقش میکند که بعد از اتمام بدویست سیصد منات تفاوت میفرشد بهمین صنعت خود دولت و ثروتی بقدر خودش

نمایند و میتوان گفت در این پولتیک پر بخطا نرفته اند اولاً بزرگان و افسران و سران سپاه روس در حکم تبعیت و امر کشیش هستند و تجاوز از فرمان و حرکت او را کناهی عظیم و جرمی سقیم دانند و انفاص او را باعث فلاح و نصرت شمارند ثانیاً لشکر یانیکه از چهار طرف بجز تکرک مرک و دهنهای توپهای آتش فشان میدانی چیزی نه بیند و از همه جاما بوسند کوش امید و چشم نجاتشان بهیکل کشیش و قامت خاچ است

( \* تشکر و امتنان \* )

( لئن شکرتم لئن یدنکم )

بزرگ معلم فاضل مشتهر یکانه و اول فیلسوف کامل متبحر فرزانه آقا میرزا آقا المتخلص بمجاهد مقیم اسلامبول که در قطار اولین هو خواهان عوالم معلومات و معارف و در شمار نخستین طرفداران مقاصد مطبوعات و عوارف و در دولتخواهی و شاه پرستی و ملت دوستی شهره آفاق بل در زیر نه رواق طاقت و میتوان بدون مبالغه و کزاف و تصدیق عرف و مذهب انصاف نوع ایرانی باین وجود شرافت نمود افتخارها کنند تشکر نامه نثر و تقریضی نظماً بداره فرستاده اند اولاً اجزاء اداره چهره نما ازین مراسم ادب دانی و قواعد حق شناسی امتنانات بامر و تشکرات بیرون از حوصله بشر دارند و مسئلت از یکانه بی انباز مینمایند که امثال این ذوات مقدس

تحریرهای اجنبی روشن و در وطن ما چشم و دست دار بهر کوجه ریخته و در سر هر ر هکنذر ایستاده اند در این گیر دار که خیالات وطن عزیز که خاک مقدسش توتیای چشمم باد پریشانم کرد، بود ناگاه دفعتاً غم بشادی مبدل شد و خیالات عالیه حضرت مستطاب شاهزاده عین الدوله صدر اعظم در نظرم مجسم گردید و قیاس کردم ترقیات این مدت قلیل که چه قدرها تفاوت کرده است از زمین تا آسمان فرق پیدا کرده است سال قبل یکی دو ماه پیش از حال چنان شیرازه دولت و ملت کسینخته شده بود که بسا شبها خواب نمی رفتم و هر روز می دیدم جراید روسها مینویسند ایران باز پول می خواهد خدایا خائن دولت و ملت پولها را گرفت و در بانکها گذاشت و دولت را زیر بار قرض آورد بقراریکه مسموع شد يك يك خیانتهای امین السلطان در دربار های یونی اشکار شده است و بناست انشاء الله پولها دوباره برگردد معلوم است دولت علیه ایران چشم پوشی از حقوق خود نخواهد کرد و حقوق خود را مسترد مینماید

( \* بقیه مقاله تجارت \* )

( از شماره ۴ )

اگر چه مقصود ما از ابتدا آن بود که مستعرا یکی دو عمود از محسنات تجارت و وضع بازار کان (تجار) ملل خارجه بنکاریم و برسانیم که بزرگترین شغل پر منفعت عالم امروزه تجارت است و بدبختانه در داخله ما پس ترین حرفه ایست که انسان خجالت میکشد سطرپی از

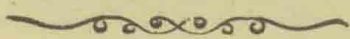
تحصیل کرده جای دیگر جمعیتی دیدم جمع شده اند همراهمان بنده را جهت تماشا بردند دیدم دختری خیلی ظریف و زیبا چهارده ساله ایستاده از دو چشم کور ما در زاد می باشد کتابی بزرگ در جلو گذاشته میخواند هر کس می خواهد کتاب را نشان میدهد میخواند معلوم گردید کتابی بحروف برجسته ترتیب داده اند دست روی آن کشیده میخواند و ماشین کوچکی که جای ۳۲ حروف را دارد ترتیب داده اند با کمال خوبی مینویسد مردی در انجا بود معلوم گردید که بزرگ و استاد اند دختر می باشد دفتر اعانه که جهت اندختر قرار داده بودند آوردند برسم یادکاری چیزی نوشته بقدر قوه در اعانه همراهی کردم چون بزرگ دختر دید خیلی مایل بدیدن خواندن و نوشتن آن دختر هستم اظهار کرد که پارچه های ابریشمی خیلی خوب میبافد در ماهی چهل پنجمینات باو میدهم و هر هفته یکروز او را باین پارک جهت تماشای ناظرین میآورم قریب دو ساعت با آن دختر و استاد او مشغول صحبت بودم یکدفعه ملاحظه کردم دوستان که همراه بودند رفته اند هوا تاریک چراغها روشن شده از ملاحظه آن جوان و این دختر هوش از سرم پرید در روی یکصندلی دیوانه وار تکیه کردم دیدم خیلی خسته میباشم باغی که هزار چراغ الکتریک میسوزد و در هر گوشه روز یکها مشغول نواختن و هزار هزار ها مردم بخمال خود ازاد بگردش مشغول صدائی غیر از آمد و رفت نیست این باغ بچشمم تاریک شد دیدم خیالات مغز مرا پریشان میکنند چطور میشود

مال التجاره و تاجر و تجار تمان بنویسد تا افزایش عظام  
ذو الاحترام که در مدت پنجاه سال تجارت کرده اند  
و همیشه در منزل اول بوده اند اکاهی یابند و معنی لك  
و کرور و ملیات . که تجار نخبانهای ملل خارجه در  
ظرف پنج سال دارا میشوند بفرمانند چرا تجار ما معنی لك  
و کرور را نمیدانند بواسطه آنکه در مدت پنجاه شصت سال  
تجارتشان چیزی بر آنچه داشته اند افزوده نشده است  
واز سرمایه روز اول تجاوز و ترقی پیدا نکرده اند و در  
ظرف پنج الی ده سال پنجاه کرور تومان بر اوقات و امکنتشان  
افزوده نشده است و هرگز ازین شهد مصفای تجارت که  
شهرین ترین حلویات حرفه های عالم است مدافشان شهرین  
نشده است کور کوران را هی رفته اند و عصا زنان جاده  
نیکي پیموده اند منتها در این راه بی بصیرتی و بی علمی  
صد يك یا يك نیم جان بسلامت برده اند ما بقی بغیر از  
اسباب خسارت و ضرر خود و دیگران و زحمت و مشقت عالی  
چه پیدا کرده اند جهت نزل و ترقی سایرین در تجارت  
چیست سایر ملل در سایه این کسب شریف بدرجات  
ترقیات محقر العقول ارتقا یافته و بجائی رسیدند که اگر  
شخص غربی پنج سال قبل آنها را دیده بود و پنج سال  
بعد مجدد آنها را میدید نمی شناخت از برکت علم از فضیلت  
علم از نعمت پر خیر و منفعت علم بوده است ایما مال  
التجاره ما یا خاک ما یا ملت ما از کدام يك از دویمین دول  
معظم عالم کتر است اگر اغلب سیمین دول را از حسب  
خاک و نفوس بخوایم با خاک و نفوس خودمان مقایسه کنیم  
انوقت میفهمیم ما از کثرت نفوس و غلبه خاک از چهار  
پنج دولت سر هستیم و زیاده میباشیم تمامی نفوس دولت  
بلژیک یازده کرور شصت هزار نفر است دولت رومان  
یازده کرور جمعیت دارد تمامی جمعیت دولت اسوج که  
جمهوریست دوازده کرور است دولت پورتگیز نه کرور  
دو بست ده هزار نفوس داراست جمعیت دولت هولاند  
هشت کرور دویمست سی هزار است پنج کرور سیصد  
پنجاه هزار نفر نفوس دولت سویس است بلغار و صرب

و یونان نه کرور هفتاد هزار جمعیت این سه حکومت است  
که دارا هستند ما بیشتریم یا آنها خاک ما زیاده از خاک  
اغلب دول معظم است بهم چنین حاصل و محصول ما  
اگر از روی علم جدید بود معلوم میشد که کدام يك  
از دول مقتدر عالم در تجارت و زراعت با ما همتراز و  
میشد دولت بلغار که دو کرور جمعیت دارد همه ساله  
زیادتی قند خود را بخاک اوستریا هانکری میفرستد و چند  
سالست چه قدر توسعه بر این يك شعبه تجارتش افزوده  
شده است ( خائن دولت و ملت و نك و حق شناس امین  
السلطان بهمه ایران و ایرانیان بی چاره يك کارخانه قند  
ریزی هم نتوانست به بیند محض شکم پر کردن چهار  
روزه خود مشت زری از همسایه شمالی گرفت و اساس  
این بنای مقدس که چه قدرها بر توسعه زراعت و تجارت  
ملمی افزود بر هم زد و قند روس را نکنداشت از کار بیفتند)  
چه وادار کرد که تجار ملل خارجه باین ترقیات فائقه  
نائیل شدند و هر يك تاجر که صد تومان دارا بود در ظرف  
ده سال بعد از وضع مصارف و مخارج یومیه اش يك لك  
که صد هزار تومانست پس انداز کرد از کجا از چه جا  
این پول هنگفت پیدا شد از چند صندوق قند مارسیل  
آوردن یا چند خبک عسل از کرمانشاهان و چند جوال مازو  
از سنندج و چند کونی نوتون از ارومیه و چند کیسه  
تنباکو از حکان شیراز و مجد آباد کاشان و فرطبس یا چند  
صندوق تریاک اصفهان و مغز بادام نجف آباد اصفهان یا چند  
عدل پنبه کاشان قم مازنده ران . . . . بوده است از  
شرکت و داشتن علم تجارت و بی قلب نمودن مال التجاره  
و حساب دانستن این همه تجار با احترام ما که هنگام  
افاده فروختن فرعون را کمتر زر خرید خود نمیدانند  
و پنجاه سال تجارت کرده اند و میکوبند جد اندر جد  
ما تاجر بوده است کدام يك دفترى دارند که بشود یکجا  
در آورد و قاعده صحیح و اساسی بقاعده دارد هر کس بسلیقه  
خودش يك دفتر حساب دارد و بمیل خودش وضعی قرار  
داده است اگرچه در این مورد تجار محق هستند چرا که

دفتر و دستك حساب صحيح از روي علم پيدا ميشود و كسانيكه در مكاتب خانهاي قديم كه حاليه هم در اغلب بلاد ايران هست تدريس کرده اند پيش از اين درجه كمال در ازندانخانه از انفير غضب درك نكرده اند علاوه وظيفه مقدسه جناب وزير تجارت مي باشد كه بطرز جديد دفتر دخل و خرج و دفتر وصول و خروج و دفتر مطالبات رسم کرده و چاپ فرموده در هر جا منتشر بدهند تا تمامي تجار هر بلاد با وجود بي علمي بيكره طرح نوشتن حساب بدستشان بي آيد تا انشاء الله همين قدريكه اطفال تازه از مكاتب جديد ايران كه بيرون آمدند چونكه آنها از روي علم حساب ميتوينند و منشاء علم حساب هم يكي است دفاتر تجار منظم و در تحت يك قاعده درست و صحيح خواهد آمده اما باز اصول و رسم كردن بايد از جانب وزارت جليله تجارت بوده باشد ايا اين تجارت نيست كه از بركت و دست آويز او دول مقتدره اسروزه بساخنها خراب و بساخرايه ها آباد کرده اند علاوه برآنكه تجارشان سه پله يكي از نزد بام ترقی بالا رفته اند چه سبب شد كه در ظرف پنجاه سال نبايد در سلسله تجار ما پنج نفر تاجر صاحب ثروت و با مكنت كه بشود اسم او را در جر كه تجار اروپا برد پيدا شود و دست كم داراي پنجاه كروى تومان بوده باشد اگر بگوئيم حاجي محمد حسن امين الضرب اصفهاني مقیم طهران او از تجار چند كروى پيدا كرد ( در ديوار بكويد زفلا ناست بمان ) ميتوان گفت حاجي زين العابدین امين التجار شيرازي مقیم بمبي او پيدا كرد انهم نه تنها بلکه از برکت شرکت و نه از این تجارتهاي بي معني بي قاعده او باز حیات کونا کون و رنجهاي از حد احصا بیرون تشکیل شرکت کشتی داد و چند نفری بترس و لرز شرکت کردند لیکن او يك نفر رئیس درس خوانده دانا انتخاب و اجاره کرد مدت معین و خرید يك کشتی نمود بدقتی کم داراي کشتیهاي متعدد شدند و اسروز فقط افتخار تمامی ایرانیان این کمپانیست كه همه کشتیهاي این کمپانی در خلیج فارس در حرکت هستند و اگر او يك نفر

رئیس دانا از انکلیسات اجاره نمیکرد حال این کمپانی مثل سایر شرکتها می باشد پس از آنکه اجزای شرکت از مراتب علمیه کشتی داری واقف شدند رئیس را جواب گفته از خود رئیس منتخب کردند چنانکه حالیه اقا میرزا محمد امین التجار باین کمپانی ریاست دارد بلی این دردهاي بي درمان تجارت و شراکت مارا روز بروز نازل داد كه خورد جاهل بودیم و اعتراف بیچل نداشتیم علاوه قبول شخص علم دار با بصیرت هم نمیکشیم در سنه ۱۳۱۶ کمپانی ( شرکت ایرانیان ) بهمت منشور الملک قونسل عشق آباد و سرمایه یازده نفر ایرانیان تشکیل یافت مقام مدیریت بجناب اقا شیخ عبد العلي محمد اف كه اینك مدیر ( شرکت امید ) در باطوم است محول بود اما ریاست او اسباب اختلال کشت و طولی نکشید با آنکه ترقیانش آشکار بود شرازه اشرا بر سر ریاست کسبختند اگر رئیسی از خوارجه گرفته بودند با شرط مهی بجهته شخص رئیس معین کرده بودند هرگز متلاشی نمی شد و ابدي قائم و دائر بود بقیه دارد



### عربستان

خبر نکارما مرض مسری و با كه در این صفحات خصوصاً در غالب نقاط ایران عموماً شیوعی داشت و در ثاني باز بروز و ظهوری کرده بود بحمد الله بکلی مرتفع و منقطع شد ولي دو چیز را باید فراموش نکرد یکی توجه اولیای امور و حضرات اطباء در مرتب و مهیا داشتن اسباب حفظ صحت و انواع علاج و دوا و احس مراقبت و مداوا و دیگر ترغیب و تشویق اقایان علماء بدعا و توسل



اداره جلیله کارگذاری عربستان از مساعی جمیله جناب . . . اعتلاء الدوله کارگذار . . . مرتب و ادارات کمرکات و تلکراف و پست و قرنینه هر یک از مجاهدات روسای خود منتظم است

از انجا که اعراب بنی طرف و حویزه یک چندیست در ادای مالیات و مثال دیوان تهاونی دارند و قدری خود سری مینمایند و این فقره منافی با مرایات دولتخواهانه و اقدامات انتظام پرورانه صدارت جلیله عظمی است لهذا جناب . . . سالار معظم . . . که از سر کرده گان محترم و رجال مفخم اند با اردوی کامل مامور فرموده اند که بانفاق و اتحاد جناب . . . سردار که اعراب مذبوره نیز بایشان سپرده است ترتیب و قرار تادیب آنها و تحصیل مالیات دیوان اعلی را بدهند و امید است باحسن وجه از عهده برآیند

### چهره نما

این قبل اخبارات روح افزا و بشارت بشاشت زا که عنوانش سرافرازی دولت و افتخار ملت را استقبال میکند خصوصاً در بهیضی حدود و ثغور و بنا در معتبره که همواره امروزه انظار دقیق سیاسی دول معظم اوروپرا بخود معطوف داشته مثل محمره و اهواز و اهمیت تام دارد بمناسبت اعتبار

و تمسک بذیل عنایت خامس آل عبا علیه و علی آله الاف التحیه و الثناء که در حقیقت اینها در صورت و معنی باعث خفت و انتفاء و دفع و دفع این بلا گردید ( جناب اعظم السلطنه میرزا غلامعلی خان ) امیر تومان حکمران عربستان دام اجلاله با اینکه انقدر مدتی نیست که مجدداً باین شغل معتنا مامور و منصوب شده و تقریباً تازه ورود کرده اند ولی نظر بسوابق خیرت و بصیرت طوری اداره امور این ایالت را نموده اند که موجب آسایش بنهایت و مایه مزید دعا کوئی دولت ابد مدت است

جناب . . . خزعل خان معز السلطنه سردار ارفع حاکم محمره و اهواز . . . هم در نظم حدود و حوضه حکومت خود کمال مجاهدت را دارند و مخصوصاً وقتی که بی انتظامیهای ولایت بصره که سرحد و مجاور اینجاست بخواطر میآید محاسن مرایات ایشان مقامی را که در خور است حاصل مینماید جناب . . . حاج رئیس . . . پیش کار این حکومت نیز با منتهای خوش رفتاری و درست کاری بکارهای راجعه مرآب و مواظب اند و معزی الیه بر حسب امر و اجازه جناب . . . شیخ سردار حاکم محمره در این صدد است یک دستکاه ماشین که هم بیخ بسازدم کندم آرد کند از فرنک بخواند و در این سرحد دایر نماید که بی اندازه لزوم و نفع عموم دارد

میتوان مؤسس این قبل بناها را پیشرو

مقام ترقیات ملی و حسیات وطنی خواند رجا داریم  
بتوجهات عالیہ دولتخواهی و رعیت پروری و مملکت  
آرایی و وطن شناسی (جناب معز السلطنہ سردار  
ارفع) عما قریب باحداث یکدستگاه کارخانه کتدم  
خوردکنی (جناب حاجی رئیس) پیشکار نائل شوند  
و در سر دفتر دیباچہ تاریخ ترقیات سرحدی دورہ  
دلارای (مظفری) نامی ینک واسمی بحقیقت نزدیک  
منقور نمایند ایجاد یکدستگاهیکہ آبرا منجمد  
کرده یا بخی بسادز و کتدم آرد کنند و کلوزہ خورد کنند  
و پنبہ خارج و پنبہ دانہ در آرد و روغن زیتون  
و سایر دہنیات بکیرد و برنج از چلموک بیرون دہد  
و سفید کند و قیمت خود را پنج سالہ بیرون آورد  
بقدر نصف اثاث البیت این اوقات و مہلیات و بلور  
آلات بی مہنی کہ چہر روز دوام و قوام ندارد  
نیشود فقط ساعی این بناہای عالیہ و بی این  
اساسہای متعالیہ از رجحان غیرت و قوت و ہیجان  
ہمت و حمیت باید بدون اغراض چشم ہوس  
و غماض پوشد و ثلث پولیکہ مصروف ان قبل چیزها  
میکند خرج این قبل اعمال کند و عموم ابناء وطن  
و برادران ملی را فیض چشانند علاوہ برانکہ بخود  
و اخلاف خود فیض کالی میرساند صیت بزرگیش  
ہم در اقطار عالم بماند (کہ نام نیکی گربماند زاد می  
بہ گزو ماند سرای زرنگار

( قابل توجه وزارت جلیہ کمرک )

اگرچہ ازین مسئلہ مہم کہ سراسر منافع  
جلیہ ملت و مقاصد مہمہ دولت را شامل است تا حال  
بادارہ از موثقیں محترم و وقایع نکاران و ہواخواہان  
عالم ترقیات خبری نرسیدہ لیکن از انرا ہیکہ  
جستہ جستہ نور آفتاب تمدن پاش ہیئت جامعہ  
ایرانیان از درودیوار علائم و شواہد بخود آئی  
تاییدن گرفته میتوان این مطلب را حمل بر صحت  
واجرای او کرد

وان اینستکہ تیار محترم مصر بقراریکہ شیوع  
داده اند باصر قدر قدر اعلم حضرت ہایونی وزارت  
جلیہ کمرکات سخت بمباشرین و روء ساء و مدیرہای  
تمامی ادارہ جات و شعبات کمرکات بنادر خلیج فارس  
و بحر خزر غدغن نمودہ اند کہ از این تاریخ بہ بعد  
ہر قدر قالی و قالیچہ و سجادہ و کلیم از ایران خارج  
شود تفحص و معاینہ کردہ چنانچہ جوہر است  
وازرنگہای غیر طبیعی بافتہ شدہ است ضبط کمرک  
شود و بفراخور قیمت ہر پارچہ جریمہ و جزا از صاحبش  
بگیرند و چنانچہ بارنگ طبیعی و لونہای ثابتہ بافتہ  
شدہ است اسم صاحب افعال را در دفتر مخصوص

قید کرده در کمال احترام فرشهای او را عبور بدهند  
 محقق است این حکم محکم که محسناتش بسیار  
 و فوایدش بی شمار است نفقط در خصوص فرش به  
 تنهاییست لابد عمومی است و در حق سایر مال  
 التجاره ایران از قبل تریاک تنباکو و پنبه و کتیرا و سایر  
 اشیائی که قابل نقل هست میباشد بلی اگر دو فقره  
 تریاک و فرش مغشوش در معرض توقیف افتاد و ضبط  
 دیوان اعلا شد و صاحبش سخت مجازات دید هرگز  
 بخاطر تجار محترم خیال نقل خطور نخواهد کرد  
 و کنجیده یکمن دو قران یکمن سه تومان نمیشود  
 بجهت داخل شدن در تریاک و خاک اره نجاری  
 و سوخته قند تریاک پاک را ضایع نخواهد کرد و از  
 خراسان و طهران عدل عدل کنجیده بعجله تمام به  
 یزد اصفهان شیراز کسبیل نخواهد شد و از انطرف  
 صندوقهای تریاک در هنکان و بلاد چین سال بسال  
 نخواهد ماند و هر صندوق سیصد الی پانصد دالر  
 ضرر نخواهد کرد شرافت و دیانت دولت قویه قدیمه  
 ایران بانداک وقتی استرداد خواهد شد و نام تجار  
 و مال التجاره ایران در افواه اجانب و جراید اروپا  
 به نیکی و خوبی برده خواهد شد علاوه از اینها  
 توسعه که ما فوق تصورات عقل است در این متاع  
 نفیس ایران خصوصاً و سایر مال التجاره عموماً داده

میشود که عقلمای ایران بانداک وقتی کرور کرور  
 طلا از دولت اتا زونی امریکا به بهای فرش خوش  
 آب و رنگ ثابت رنگ وارد ایران میشود و میان  
 ملیان پول از دولت چین بعوض تریاک مالیده شده  
 تجربه و تجزیه شده پاک پاکیزه بی قلب و غش  
 داخل مملکت ایران میگردد بهم چنین در صد هزار  
 عدل پنبه کسی ذره کلوزه شکسته و پنبه دانه  
 و خاکروب انبارها و زبیل کهنه نخواهد دید و در چندین  
 خروار کیسه تنباکو یک کیسه تنباکو میان سیاه  
 چوب دار برک پوسیده ورد دار نخواهد دید و قس  
 علی هذا ظمع بالقطره صفتی است جری که پرده  
 غفلت و نفس پروری و خدانشناسی در جلوی  
 چشم صاحبش میکشد و نقش این پرده که همه از  
 لون صفات رذیله و خواص میشومه است با تعداد  
 دهور و تعداد مرور گم کم ثابت میشود و بنظر  
 صاحبش به نیکی و امانت و درستی و دیانت جلوه  
 میکند که فاعلش باطمینان کامل در این اعمال  
 قبیحه که شکست قدر و مقدار مال التجاره هر  
 دولت است کستماخانه مبادرت میکند و جسارت  
 تامی پیدا مینماید این است انهدام این اساس خذلان  
 و بی اعتباری و پاره کردن این پرده عصیان و نا از  
 کاری که فسادش علانیه تیشه بر ریشه ثروت

و محقق است در ذیل این حکم مبارك حقوقی بجهت  
مفتشین معین شده است که بد لکرمی مال التجاره  
ایران را از لوث کدر نقاب پاک و در انظار خریداران  
این کوهر گرغایه را تابناک کنند (بحمد الله اعلان  
دولت علیه در کرامی روزنامه مظفری در منع فرش  
جوهری دیده شد چهره نما)

### انزلی

وقایع نکارما از اوضاع انزلی بخواهید بدینست  
اگرچه مرض هیضه قدری در کیلان شدت کرده بود  
بحمد الله حالا خوبست و سلامتی است  
بندر انزلی که دار الجملش میگفتند جناب حاجی ملک  
المتکلمین واعظ اصفهانی که اول محی وطن پرست  
دولتخواهست در ماه صفر المظفر از بس حضرات اعیان  
واشراف را موعظه فرمود تا آنها را وادار نمود که مدرسه  
موسوم (بهضدیه) تاسیس نمودند شصت نفر شاگرد در این  
دار العلم مشغول تحصیلند در این مدرسه بطرز جدید درس  
میدهند حساب هندسه و جغرافیا « فارسی و صرف و نحو  
و غیره و هم روزهای پنجشنبه وقت غروب شاگردان بطرز  
نظام اول قدری مشق کرده انوقت فاتحه اهل قبور میروند  
اما از آنجائیکه کیلان را میتوان گفت بدرجه از سایر  
اهالی ایران از تربیت خوارچند این حالت و مدرسه را  
پسند نمیکند اغلب عوام الناس بنای این مدرسه را بفال نیک  
نمیکویند میگویند بروز ناخوشی از ایجاد این مدرسه شده  
است چنانچه يك نفر از مردهای رئیس سفید روزی در  
فاتحه اهل قبور بود اطفال مدرسه را دید که بطور نظام  
وارد شده فاتحه میدهند میروند حالت رقت با دست میدهد  
و بسر زده میگوید و اوایل چرا باید ناخوشی نیاید و عالم

ملت و روح مملکت میزند سیاست فائمه دولت است  
تا مباشرین در این امور که نحو ناموس ملت و دولت  
را داعی است متارکه کرده باشند و هرگز پیرامون  
این قبل افعال شذیه نکردند و باندک زمانی دولت  
سر بلند و ملت ارجمند گردد مال التجاره شان زیاد  
ملکشان آباد خواطرشان شاد غنایشان وافر مسکنت  
از اطرافشان دور نامشان بامانت و دیانت مشهور  
گردد رجا مندیم روه سایی تفتیشیه سر  
حدات و بنادر معتبره خلیج فارس و بحر خزر  
خصوص دو مرکز مهم یکی بندر بو شهر و یکی بندر  
انزلی بوظایف مقدسه دولت پرستی و حق شناسی  
که صلاح دولت و فلاح ملت در اوست عمل نمایند  
و ذره در این حکم که عالم عالم محسنات را داراست  
چشم پوشی نکرده بدقت تام و رسیده کی تمام در  
اجرای اوامر مستحسنه وزارت جلیله کمرکات در  
تفتیش مال التجاره معینه صرف همت و دولتخواهی  
و بذل حقیقت و شاه شناسی نموده باشند  
بقراریکه در اداره جات کمرکات سایر دول مرسوم  
است مفتشین هرچه از اموال مغشوش یا ممنوع  
بچنگ آوردند و خدمتی کردند سهمی از قیمت همان  
مال یا بانعامی معین فایض میشوند و حقی معین  
خواهند برد که باعث مراقبت آنها بوده باشد

رنده اند همین زودبها اشریف خواهند آورد اصلاح مدرسه  
موکول بتوجه بزرگان و محشمین این سرحدات ( شب  
آبستن است ناچه زاید صحر )

### — چهره نما —

اگر خونابه ندامت و تحسر از چشم خجلت  
و تفکر بحال فلاکت اشتغال خود بیالیم رواست و اگر  
پیراهن جهالت و تحیر باحوال سراسر ملال خود تابدا  
من بدرانیم بچاست چرا که در این زمان سعادت  
و برکت توامان که شمس فلک تربیت ودانائی و افتاب  
چرخ مدنیت و بینائی بسا ظلمتکده های جهل و نادانیرا  
روشن نموده و علمای نامدار و فضیلا عالیقدر جزایر  
بجز محیط و بنادر اتلالتیک و سواحل ژاپون از پرتو  
اشمه نور حکمت و معرفت گروه گروه وحشیان آدم  
خوار را از کریوه های تنک جهالت و سنکلاخهای  
غفلت کشان کشان بفضای لا یتناهی صحرای انسانیت  
و مردمی کشیدند و ملت کمنام خود را از توسعه دواز  
معارف و ادبیات و مدارس و مطبوعات سرآمد جمیع  
ملل متمدن عالم نمودند و آواز روح افزای الطلوع العلم  
من المهدالی الحدرا بهرجا افکندند باز میشنومیم  
تا با اقدامات مجدانه و اهتمامات بیغرضانه بیکی هموطنان  
در گوشه ایران یکباب مدرسه کشوه شد برخی  
جاهلان عالم قبا و دیوانکان عاقل ردا و غافلان دانا نما  
دست تعدی دراز و چشم تخطی باز کنند و سنک خود  
غرضی بر بام اساس انسانی و کارخانه آدم سازی بیندازند

خراب نشود یکی از علماء از او سوال نمود مرد که چه شده  
است که دودستی بسر میگری گفت انا جان نورا بخدا  
تمانا کن این اطفال با این لباس نظام و این حالت چه باید  
بهدون بیابند چرا باید کفر علما فرانگردد اینان تماما  
از جاده . . . بیرون خواهند رفت چه وجه افاد در جواب  
ان احق را ملامت فرمود گفت جز درس شریعت و طریقت  
اسلام چیزی که منافی با آیین پاکت بانها نمیدهند یعنی  
تماما مسلمان کامل و انسان عاقل و فارغ التحصیل و آدم  
ز مدرسه خواهند در آمد گفت انا جان خیر این طور  
نیست او که عوام بود این طورها مذاکره میکرد برسم  
با امام جماعت مسجد خان) امام جماعت مسجد خان هم روزی  
اطفال را باحالت نظام در مسجد خودش که اینجا نماز میکند  
میبیند که فاتحه اهل قبور میدهند شب بمنبر صعود کرده  
خلق را موعظه نیکو ز مدرسه حایه نمیکند چه وجه عوام  
الناس هم پناه میبرم بخدا اشخاصیکه اعانه بده بودند  
در ادای اعانه پریشان میشوند از بکطرف ما بین و کلای  
مدرسه تقار و نفاق شدت میکند اختلاف آراء کار مدرسه  
و ارباب میکند بکنفر حاج فرج الله باد کوبه که وکیل  
مدرسه شناخته شده بود اعتنا باختلاف آراء نکرده در  
پیشرفت عمل مدرسه سعی میشود عاقبت مبیند خد هر  
قدر خرج نماید از برای اوضار و سر آخر خطرناکست  
و معلم مدرسه هم وافزوری خواهد بود چه فراش مدرسه نزد  
مدیر آمده اظهار داشت که معلم برای تفریح دماغ تریاک  
عم میکند مشکل چهار پنج تا شد حاجی فرج الله وکیل  
مدرسه دوروز است خود را از وکالت خارج نموده اطفال  
ابواب جمعی خود را در جای دیگر معلم کامل اجیر کرده  
میکند درس بدهد را پورت بمحضرت مستطاب سالار  
افخم برشت در این خصوص رفته تا حضرت معظم له چه  
صلاح دانند امید واریم از حسن نیت ان ازاده مرد این  
شرافت بنیان مدفون خاک فراموشی نشود فعلا شاگرد  
ها نصفه شده حالت مذبح را دارند اقایی عمیدهایون  
ناپب الحکومه انزلی که مؤسس این اصاس است بفرنگستان

میان نونهالان بوستان انسانیت نیندازند و بدین خدمت پای استوارشان لغزش پیدا نکنند و نام خود را در سر لوحه تاریخ ترقیات عصر دلارای (مظفری) بجهته اعقاب ناجیه و اخلاف آتیه بگذارند (از صفحه کیتی زود نام و نشان \* انمرد وطن دوست که خدمت بوطن کرد) انکه وقایع نکارما شمه از حرکات پیر دهقانی و جناب . . نورانی نوشته است (ه بر مرده بر زنده باید گریست

(\*) باد کوبه (\*)

خبر نکارما با وجودیکه جناب (کورناتور) حاکم باد کوبه از هر قبل اسباب حفظ الصحه فرام کرده است باز مردم ترس مستولی شد کسانیکه از باغات بشهر آمده بودند دوباره بر کشتند به باغات از جمله کارهای حاکم یکی ان بوده بیست یک هزار کتاب کوچک بقی چاپ کرده هفت هزار بزبان مسلمانان و هفت هزار بزبان روسی هفت هزار بزبان ارمنی و دران کتاب از حفظ الصحه و خوراک و پوشاک و چیزهاییکه باعث تولید و باقی باشد نوشته در میان مردم پخش کردند بقراریکه روزنامه (کاسپی) نوشته بود عده مبتلایان بروزی چهارده نفر رسیده و زیادت از مسلمانان بوده است حال حکیمها باذره بین بازدید کرده اند در خزینه و آب حمامهای مسلمانان از انست که حکم شد تمامی حمامهای مسلمانان را به بندند و بسته شد در اطراف شهر در جاهای مخصوص از جانب حکومت چند باب مریضخانه باز شد که هرکس بوی ناخوشی باو بخورد فوری نقل بانجایش میدهند چند اراده مر پوشدار بجهته حمل اموات موجود کرده اند که کسی تا این اواخر ملتفت نه بود که این مرده کشت خالصه (کورناتور) خیلی در

از صاحب شریعت شرم و از وظیفه معموله خود آزر نکند (ر بنالای تو آخذنا ان نسینا او اخطانا)

کاشکی این مخربین بنیان اسلامی تابی بردمان متوسط الحال سایر ملل اسلام میگردند و قدم مبارک بخطه مصر میگذارند و میدیدند جناب ریاض پاشا و جناب بارطوخ پاشا و جناب احمد پاشا منشاوی در امورات خیریه جمعیت عروت الوثقی و مکاتب و معارف اسلامی و مدرسه حاملهای مصری تا چه اندازه همم عالیه از مال و جان مبذول داشته اند

این اقدامات بی خردانه و جسارات جاهلانه که ناشی از جهل جبلی و غفلت فطریست باعث بر آنست که ابواب مخاطرات ارکان بارگاه دین حنیف را مفتوح مینمایند و کشتی سیاسی اجانب و اجام را بساحل مراد میرسانند بیاید روزی که در پیشگاه عدل و انتقام حضرت باری اعضاء و جوارح هر بد نفسی بشهادت قیام کند (یوم تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یکسبون) آیا چه جواب مرتکین انهدام مدارس میدهند و واعظین غیر متعظ چه پاسخی در معرضیکه واضع اصول انسانیت و مقنن قانون اسلامیت یعنی حضرت ختمی مرتبت حضور دارد میگویند (حتی تأتیهم الساعة بقعة او یأتیهم عذاب یوم عظیم) امید داریم همت عالی فطرت حاج فرج الله تاجر باد کوبه سد جمیع مخاطرات این اساس مقدس که در سرحد انزلی صورت خوارجی پیدا کرده است بوده است باشد و تفرقه

این مسئله اقدام کردند بحمد الله حال چند روز است بسیار فرق کرده است چاه نفت (قارابت اف) دوسه روز است باز شده و بفواره زدن افتاده است گودی این چاه (۵۳۴) ذراع است و روزی یکصد بیست پنجهزار ۱۲۵۰۰۰ پوط نفط میدهد (بلی قوه علم است که با صد هزار تومان یک شخصی را در ظرف پنجروز از چهار ذرع زمین مربع دارای ده ملیان میکنند) در کلیسیایه و آگنار روز قبل اول کشیش بزرگ روس (سرسکی داویراف) که بجهت نصرت روس حاضر شده بود و جمعیت از جنس روسیان پست بلندپرا گرفته بودند ورود بدر کلیسیا یک نفر از مستحفظین (فیور ما برین) نامی پاشش لوله حواله کشیش میکنند فوری در میغلطد و بدعا میخورد حالیه قائل در تحت استنطاقست دوروز قبل جناب امیر عبد الاحد خان امیر بخارا از یالتا مراجعت و ورود به باد کوبه نمودند و بر حسب رسم همیشه گی که چندین سال است دارند در منزل جناب آقای حاجی زین العابدین تقی یوف ناجر باد کوبه وارد شدند و محض پذیرائی ایشان جناب حاجی که باغ بودند اشریف فرمای شهر شدند و پس از حرکت ایشان دوباره باغ بر کشتند یک مبالغ زیادی بجهت تمامی مریضخانهای مسلمانان روس ارمنی و سایر مخارج متعلق بانین ناخوشی حاجی زین العابدین تقی یوف از حبیب جوانوردی دربارہ نوع خود مرحمت کردند (طالش مانوف) که مبلغ ینم ملیان بجناب حاجی زین العابدین تقی یوف مقروض بود این اوقات قدری تنگی برایش روی داده ان بود جنکلهای خود را واگذار بجناب حاجی زین العابدین تقی اف کرد جناب حاجی اقام فوری حاجی حسین تقی بوفرا که رئیس کارخانه قماش بافیست روانه ایرانش کردند که جنکارا نصرف نماید بقراریکه اطلاع داده است ابتدای جنکل در آسترا و انتهایش وصل باردیل میشود جناب اقا محمد حسین رئیس التجار ناجر یزدی ایشانهم بمحض بروز ناخوشی حرکت بطرف بیلاق روسیه کردند و پس از دور زدن حالیه وارد باطوم شده اند

احتمال قوی میدهد این دوسه روزه به تجارتخانه خود عود کنند سه روز قبل جناب یوزا اسماعیل خان دبیر الممالک مراجعت از تفلیس کردند و این مدت در تفلیس بسمت نایب منایی آقای مهزافرج الله خان مستنصر السلطنه بر قرار بودند تمامی تجار را بقونسلیخانه دعوت کردند بواسطه ناخوشی اغاب ایرانیان در باد کوبه نبودند کسانیکه حاضر شدند جناب اقا شهیدی عباس ناجر تبریزی و جناب اقا میرزا عبد الحسین عمید التجار مدیر شرکت عمومی جناب اقا محمد جعفر ناجر تبریزی بعد از صرف شربت و چای جناب فونسل نطقی کردند که سواد شرا خواهم فرستاد دیگر در این هفته جناب مستطاب افضل العلماء الاعلام فهامی بختهد اول قفقاز آقای میر محمد کریم حاجی میر جعفر زاده که جمیع مسلمانان قفقاز به بوجود مبارکش افتخار دارند از جانب دولت روسیه بمنصب قاضی القضاتی بر قرار شدند و انعام خلی بجا بود

### چهره نما

اجزای اداره (چهره نما) جناب قاضی القضاة اقا میر کریم حاجی میر جعفر زاده را بدین منصب جلیل که الحق شایسته کی داشت صمیمانه تهنیتهای وافر مینمایند و از خداوند مسئلت دارند که انوجود فیض نمود موفق بتوفیقات سرمدی و موید به تأییدات ابدی بوده باشند و بیش از پیش خدمات نمایان بجوضه مقدسه اسلام و اسلامیان قفقاز بفرمایند

### اصفهان

خبر نکارما مختصراً این اوقات در اصفهان همه جاروضه خوانی بود و تمامی مردم دست تو شل

## ( اعلان مخصوص )

اجزاء اداره چهره نما صرف نظر از آبونه سال حال در حق احدي از هموطنان گرام ندارند پس از دخول سال دويم باقتضا معمول خواهد شد هرکس نخواهد اطلاع دهد

## « تکرافات عمومي »

لندن - مخبر روئر از مقدن خبر میدهد از ۱۸ و ۱۹ آتش حرب فيما بين دولشکر مستورا زبانه میکشد و روز بروز قلب لشکر روس کم میشود و بمصره لشکر روس از نوبهاي جديد الاختراع ژاپون در طرف شهر شاهو یکباره از هم کسيخته شده

لندن - یکدسته کشتيهاي جنکي روس که از دریای بالتیک بجانب شرق اقضا در حرکت میباشد وارد بدر ياي سپاه شده اند پترسبورغ - جنرال کورپانکين خبر میدهد که در معرکه بزرگ شاهو قرب مقدن مجروحين روس به پنجاه پنج هزار هفتصد و شصت و هشت نفر رسیده و مقتولين روس بد وازده هزار ۱۲۰۰۰ نفر و کثرت مجروحين روس بواسطه دیناميت تحت الارض ژاپونيان بوده است

مقدن - مخبر روئر خبر میدهد سه شبانه روز است ساعتی لشکريان آسوده نیستند و از هر طرف نهرها از خون روان است عده مقتولين ژاپون سه هزار پانصد و مجروحين بهشت هزار رسیده است

پترسبورغ - جنرال کورپانکين سه ساله رتشون روس خبر داده است که مي هزارقشون مک بما رسيد و سپاهيان ژاپون متصل در نزایدند

توکيو - هزار دويست نفر از شاگردان فارغ التحصيل چين که در مدارس ژاپون تحصیل کرده بودند همگی از حضور اعلاحضرت میکادوي ژاپون گذشته و اغلب بمراحم مخصوصه اعلاحضرت میکا دونائل شده و بعد روانه دیارچين و اوطان خود شده اند

بذیل عاطفت حضرت خامس آل عبا زده کم کم ناخوشي بر طرف گردید که حالیه بکلي علائقي درکار نیست دردهات و اطراف شهر شیوع دارد که هست اما خبر صحیحی ندارم در طرف میدان شاه بچته صندوق مالیه عمارتی بسیار عالی گرفته اند و مشغول تعمیر هستند و اجزاء صندوق مالیه چندیست باصفهان آمده اند واقعا این ناخوشي خیلی کارها را بهیاهو عقب انداخت و مردم را از ترس ازکار بار جدا کرد لیکن ذره خیالات اولیای دولت قوی شوکت در مصالح رعیت و مملکت فرق نکرده است چونکه تازه چند روز است بازار آمده ام اطلاعات ندارم بعد باز مفصلاً مینویسم مخصوصاً از کمپانیهای اصفهان (شرکت اسلامیة) و (شرکت مسعودیه) و (شرکت محمودیه) و شعبه شرکت عمومي ایران خواهی نکاشت

## ( اعلان )

این بنده مشهدي حاجي دلال اف محض خدمت به برا دران دینی و ابناء وطن معزز مها نخانه در بادکوبه مطابق سرای حسین اف باز نموده ام در کمال نظافت و پاکیزگی و همه گونه اسباب مهیا نموده ام که مسافرين محترم و حجاج و زوار در کمال راحتی ورود و خروج کنند ما بحتاج مسافرين از قبل نهار شام چاهي قلیان تحت خواب چراغ المکتریک در کمال خوبی موجود است انشاء الله الرحمن کسي بي ميل نخواهد بود و زحمات این بنده در این خدمت بزرگ در نظر هموطنان دینی و وطنی بی اجر نخواهد بود